بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO
Konkur
.info
https://konkur.info

اَلدَّرْسُ الرّابِعُ

اَلتَّعايُشُ السِّلْمِيُّ

لَقَد كانَت رسالةُ الإسلامِ عَلَى مَرِّ العُصورِ قائمةً عَلَى أساسِ المَنطِقِ و اجتنابِ أيِّ الإساءةِ؛

قطعا پیام پیامبر اسلام در گذر زمانها ، بر اساس منطق و دوری از هر بدی استوار بوده است .

فَإنَّ اللهَ يَقولُ: وَ لا تَستَوِي الحَسَنَةُ و لا السَّيِّئَةُ اِدفَع بِالّتي هِيَ أحسَنُ فَإذَا الّذي بَينَکَ و بَينَهُ عَداوَةٌ كَأنَّهُ وَلِيٌّ حَميمٌ

و براستی خداوند می فرماید : خوبی و بدی یکسان نمی باشد ؛ تو آن را (بدیهای مردم را) با بهترین روش دفع کن ، پس آنگاه می بینی کسی که بین تو و او دشمنی وجود دارد ،گویی یک دوست گرم و صمیمی است .

إنَّ القرآنَ يَأمُرُ المُسلِمينَ ألّا يَسُبّوا معبوداتِ المُشركينَ و الكُفّارَ

همانا قرآن به مسلمانان امر می کند که خدایان (خدایان دروغین) مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقولُ:وَ لا تَسُبّوا الَّذينَ يَدعونَ مِن دونِ اللهِ فَيَسُبّوا اللهَ ...

و آن (قرآن) می فرماید :کسانی را که به غیر خدا ، فرا می خوانند (دعوت می کنند)دشنام ندهید ، در نتیجه آنها (کافران به نادانی) خدا را دشنام می دهند .

https://konkur.info

الإسلامُ يَحتَرِمُ الأديانَ الإلهيّةَ؛ ﴿ قُل يا أَهلَ الكِتابِ تَعالَوا إلَى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَينَنا و بَينَكُم ألّا نَعبُدَ إلّا اللهَ وَ لا نُشرِكَ بِهِ شَيئاً﴾

اسلام ادیان الهی را محترم می شمارد ؛ ای پیامبر بگو : ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیائید از کلمه ای که میان ما و شما یکسان است ، پیروی کنیم فقط خدا را عبادت کنیم (جز خدا نپرستیم) و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم .

يُؤَكِّدَ القرآنُ عَلَى حُرِّيّةِ العقيدةِ: ﴿ لا إكراهَ في الدّينِ ... ﴾

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می کند :﴿ هیچ اجباری در دین نیست ﴾

لا يَجوزُ الإصرارُ عَلَى نِقاطِ الخِلافِ و عَلَ العُدوانِ، لِأنَّهُ لا يَنتَفِعُ بِهِ أحَدٌ؛

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نمی باشد ، به خاطر اینکه کسی از آن سودی نمی برد.

و عَلَى كُلِّ النّاسِ أن يَتَعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلميّاً، مَعَ احتفاظِ كُلٍّ مِنهُم بِعقائدِهِ؛ لِأنَّهُ ﴿ كُلُّ حِزبٍ بِما لَدَيهِم فَرِحونَ﴾

بر همهٔ مردم واجب است که هرکدام با حفظ عقاید خود ، با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز کنند ، به خاطر اینکه ﴿ هر گروهی به آنچه نزد خود دارند ، خوشحالند ﴾

البلادُ الإسلاميّةُ مجموعةٌ مِنَ الشّعوبِ الكثيرةِ؛ تَختَلِفُ في لُغاتِها و ألوانِها.

کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملّت های متعدّد است که در زبانهای خود و رنگهایشان متفاوت می باشند .

قالَ اللهُ تَعالَى: ﴿ يا أيُّهَا النّاسُ إنّا خَلَقناكُم مِن ذَكَرٍ وَ أُنثَى وَ جَعَلناكُم شُعوباً و قَبائِلَ لِتَعارَفوا إنَّ أكرَمَكُم عِندَ اللهِ أتقاكُم

خداوند بزرگوار فرمود :﴿ ای مردم ! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را ملّت ها وقبیله ها یی قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید ، قطعاً گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست ﴾

يأمُرُنَا القرآنُ بِالوحدةِ. ﴿ وَ اعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقوا

قرآن ما را به وحدت و یکپارچگی امرمی کند (فرمان می دهد). ﴿ و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید ... ﴾

يَتَجَلَّى اتّحادُ الأُمَّةِ الإسلاميّةِ في صُوَرٍ كثيرةٍ، مِنهَا اجتِماعُ المُسلمينَ في مكانٍ واحدٍ في الحجِّ.

https://konkur.info

یکپارچگی امّت اسلامی در شکل های زیادی جلوه گر می شود ، از جمله جمع گشتن مسلمانان در یک محل در حج .

المسلمونَ خُمسُ سُكّانِ العالَمِ يَعيشونَ في مِساحةٍ واسعةٍ مِنَ الأرضِ مِنَ الصّينِ إلَى المُحيطِ الأطلَسيِّ.

یک پنجم ساکنان زمین مسلمانان هستند ، در پهنهٔ گسترده ای از زمین ، از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند .

قالَ الإمامُ الخمينيُّ رَحِمَهُ اللهُ: ... إذا قالَ أحدٌ كلاماً يُفَرِّقُ المسلمينَ، فَاعلَموا أنَّهُ جاهِلٌ أو عالِمٌ يُحاوِلُ إيجادَ التَّفرقَةِ بَينَ صفوفِ المسلمينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند گفت : هرگاه کسی سخنی بگوید که میان مسلمانان تفرقه و جدایی اندازد، پس بدانید که وی یک نادان است یا دانایی است که برای ایجاد تفرقه در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

و قالَ قائدُنا آيةُ اللهِ الخامنئيّ: مَن رَأى مِنكُم أحَداً يَدعو إلَى التّفرِقَةِ، فَهُوَ عميلُ العدوِّ.

و رهبرمان آیت اللّه خامنه ای گفتند : هرکس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می کند (می خواند) ، پس (بداند که) وی مزدور دشمن است.

عَيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ.

۱-يَجوزُ ا لاصرارُ عَلَى نِقاطِ الْخِلافِ وَ الْعُدوانِ، لِلدِّفاعِ عَنِ الْحَقيقَةِ..... .

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی ، برای دفاع از حقیقت جایز می باشد. (غلط)

۲- رِسالَةُ ا لاْسلامِ قائِمَةٌ عَلَى أَساسِ الْمَنطِقِ وَ اجْتِنابِ ا لْإساءَةِ..... .

پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی کردن(دوری از هر بدی) استوار است . (صحیح)

۳-عَلَى كُلِّ النّاسِ أَن يَتعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلْميّاً..... .

بر همه مردم واجب است که با یکدیگر به صورت مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح)

۴-لِبَعضِ الشُّعوبِ فَضلٌ عَلَى الْاخارَينَ بِسَبَبِ اللَّونِ..... .

برخی از ملت ها به علت رنگشان بر بعضی دیگر برتری دارند . (غلط)

https://konkur.info

۵- رُبعُ سُکّانِ الْعالَمِ مِنَ الْمُسلِمینَ..... .

یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط)

اِعلَموا درس چهارم: الاشکال الأفعال (۲)؛ اَلفِعل الثُّلاثی المَزید:

در درس قبل با فعل های چهار باب که « سوم شخص مفردِ ماضی» آن ها بیش از سه حرف است، آشنا شدید و وزن آن ها را از ریشه « ف ع ل » آموختید. در این درس با چهار باب دیگر آشنا می شوید.

وزن فعل های با حروف زائد (ثلاثی مزید) در چهار باب از ریشه فعل « ف ع ل » با ذکر مثال: (حروف زائد در سوم شخص مفرد ماضی مشخص شده اند).

	ماضی	مضارع	امر	مصدر
وزن باب تَفاعُل	تَفاعَلَ	یَتَفاعَلُ	تَفاعَل	تَفاعُل
مثال از « ک ت ب»	تَکاتَبَ	یَتَکاتَبُ	تَکاتَب	تَکاتُب
وزن باب « تَفعیل»	فَعَّلَ	یُفَعِّلُ	فَعِّل	تَفعیل
مثال از « ک ب ر»	کَبَّرَ	یُکَبِّرُ	کَبِّر	تَکبیر
وزن باب مُفاعَلَة	فاعَلَ	یُفاعِلُ	فاعِل	مُفاعَلَة
مثال از « ج ه د »	جاهَدَ	یُجاهِدُ	جاهِد	مُجاهَدَة
وزن باب إفعال	أفعَلَ	یُفعِلُ	أفعِل	إفعال
مثال از « ح س ن»	أحسَنَ	یُحسِنُ	أحسِن	إحسان

نکته: حرف زائد درماضی باب « تَفعیل»، تکرار عین الفعل می باشد که با حرف اصلی دوم در ریشه ادغام می شود و تشدید (ّ) می گیرد: فَععَلَ: فَعَّلَ

https://konkur.info

نکته: به طور کلی فعل ها بر اساس حروف زائد در شکل سوم شخص مفرد ماضی در هشت باب، به سه دسته تقسیم می شوند:

۱-باب های « إفعال، تَفعیل، مُفاعَلَة» در ماضی سوم شخص مفرد خود « أفعَلَ، فَعَّلَ، فاعَلَ» یک حرف زائد دارند.

۲-باب های « اِفتِعال، اِنفِعال، تَفَعُّل، تَفاعُل» در ماضی سوم شخص مفرد خود« اِفتَعَلَ، اِنفَعَلَ، تَفَعَّلَ، تَفاعَلَ» دو حرف زائد دارد.

۳-باب « اِستِفعال»، در ماضی سوم شخص مفرد خود « اِستَفعَلَ» سه حرف زائد دارد.

حروف زائد در سوم شخصِ مفرد فعل های زیر و مانند آن ها را بر اساس ریشه شان (سه حرف اصلی) می بینیم.

تَشابَهَ: از ریشه « ش ب ه » و حروف زائد آن « ت – ا » می باشد. فعل های شبیه آن: تَکاتَبَ – تَضارَبَ – تَناوَلَ – تَعارَفَ – تَعامَلَ – تَقارَبَ – تَقارَنَ ..... .

فَرَّحَ: از ریشه « ف ر ح » و حرف زائد آن « تکرار حرفِ دوم که با تشدید « ـّ » نشان داده می شود: فعل های شبیه آن: کَبَّرَ – قَدَّمَ – عَلَّمَ – شَبَّهَ – کَرَّمَ – نَزَّلَ – رَتَّلَ .... .

جالَسَ: از ریشه « ج ل س » و حرف زائد آن « ا » می باشد. فعل های شبیه آن: کاتَبَ – ضارَبَ – قاتَلَ – عالَجَ – لاحَظَ – دافَعَ – خالَفَ – جاهَدَ ....

أخرَجَ: از ریشه « خ ر ج » و حرف زائد آن « أ » می باشد. فعل های شبیه آن: أحسَنَ – أکرَمَ – أظهَرَ – أشرَکَ – أشرَفَ – أقبَلَ – أرجَعَ – أنزَلَ .... .

کاربرد باب ها در ترجمه فعل ها:

نکته: باب های « مُفاعَلَة» و « تَفاعُل » معمولاً برای مشارکت به کار می روند. با این تفاوت که در باب مُفاعَلَة، مشارکت یک طرفه است و در ترجمه فعل های این باب، کلمه « با » می آید ولی در باب تَفاعُل، مشارکت دوطرفه است و در ترجمه فعل های این باب، کلمه « باهم، با یکدیگر» می آید.

https://konkur.info

مثال کَتَبَ (نوشت):

۱- کاتَبَ التِّلميذُ صَديقَهُ. (دانش آموز با دوستش نامه نگاری کرد.) (باب مُفاعَلَة)

۲- تَكاتَبَ الصَّديقانِ. (دو دوست با هم نامه نگاری کردند.) (باب تَفاعُل)

نکته: باب های « إفعال » و « تَفعيل » معمولاً فعل را از « ناگُذَر» به « گُذَرا» تبدیل می کنند و در ترجمه آن ها، حرف « را » می آید.

یادآوری: فعل « ناگذر (لازم)» فعلی است که به مفعول نیاز ندارد و معنای جمله با فاعل کامل است؛ اما فعل « گذرا (متعدی)» علاوه بر فاعل به مفعول نیز نیاز دارد.

مثال: نَزَلَ (نازل شد)

۱- أنزَلَ اللهُ القرآنَ. (خداوند قرآن را نازل کرد) (باب إفعال)

۲- نَزَّلَ اللهُ القرآنَ. (خداوند قرآن را نازل کرد) (باب تَفعيل)

نکته: برای ساختن فعل امر مخاطب از باب های « تَفاعُل، تَفعيل، مُفاعَلَة» مانند باب « تَفَعُّل» در درس قبل، نیازی به الف (ا) نیست، چون بعد از حذف حرف علّه حرف مضارعه « ت » از اول فعل مضارع، اولین حرف، حرکت دارد.

مثال: تَتَهاجَمُ: ← تَهاجَم / تُقَدِّمُ : ← قَدِّم / تُشاوِرُ : ← شاوِر

نکته: تنها فعل أمری که همزه مفتوح « أ » دارد، أمر باب « إفعال » است. مثال: تُدخِلُ: ← أَدخِل

نکته: در باب « تَفاعُل » مانند باب « تَفَعُّل » به حرکت ماضی، امر و مصدر دقت کنید تا اشتباه نشود. هم چنین گاهی ضمیر یا اسم، .... تعیین می کند که فعل در باب تَفاعُل (در وزن های « تَفاعَلا، تَفاعَلوا، تَفاعَلنَ»)، ماضی است یا أمر.

مثال: تَفاعَلَ (ماضی) / تَفاعَل (امر) / تَفاعُل (مصدر)

هُما تَعارَفا: آن دو با هم آشنا شدند. (ماضی) / یا زَميلَتَيَّ، تَعارَفا: ای دو هم شاگردی ام، با هم آشنا شوید.

https://konkur.info

الطُّلّابُ تَعارَفوا: دانش آموزان با هم آشنا شدند. (ماضی) / تَعارَفوا أنتُم: شما با هم آشنا شوید. (امر).

حرف زائد (تَ) در ماضی باب تَفاعُل را با حرف مضارعه (تُ) در مضارع باب مُفاعَلَة اشتباه نگیریم:

تَفاعَلَ، تَکاتَبَ (ماضی باب تَفاعُل) – تُفاعِلُ، تُکاتِبُ (مضارع باب مُفاعَلَة)

حرف زائد (تَ) در ماضی باب تَفَعُّل را با حرف مضارعه (تُ) در مضارع باب تَفعیل اشتباه نگیریم:
تَفَعَّلَ، تَعَلَّمَ (ماضی باب تَفَعُّل) – تُفَعِّلُ، تُعَلِّمُ (مضارع باب تَفعیل).

نکات ترجمه:

باب « إفعال و تَفعیل » معمولاً فعل را از ناگُذَر به گُذرا تبدیل می کنند؛ یعنی این باب ها در جمله به مفعول نیاز دارند. مثال:

نَزَلَ : پایین آمد ← نَزَّلَ : پایین آورد (باب تَفعیل)

وَصَلَ : رسید ← وَصَّلَ : رسانید (باب تَفعیل)

جَلَسَ: نشست ← أجلَسَ نشانید (باب إفعال)

خَرَجَ : بیرون آمد ← أخرَجَ : بیرون آورد (باب إفعال)

قَرُبَ: نزدیک شد ← قَرَّبَ : نزدیک کرد (باب تَفعیل)

البته لازم به ذکر است که بعضی از فعل ها در باب إفعال، لازم (ناگذر، مفعول ناپذیر) هستند. مثال:

أفلَحَ (رستگار شد)، أقبَلَ: (روی آورد) / أسلَمَ: (مسلمان شد)، أمطَرَ (بارید)، أسرَعَ: (شتافت)، أنصَتَ: (ساکت شد)، أزهَرَ: (شکفت)، أظلَمَ : (تاریک شد)، أثمَرَ: (میوه داد).

نکته : یکی از معانی دو باب « مُفاعَلَة و تَفاعُل» مشارکت است. با این تفاوت که باب مُفاعَلَة برای مشارکت یک طرفه است و در ترجمه آن معمولاً از کلمه « با » استفاده می شود، ولی باب تَفاعُل برای مشارکت دوطرفه است و در ترجمه آن معمولاً از کلمات « باهم، با همدیگر» استفاده می شود. مثال:

ضَرَبَ فَؤادُ هِشاماً فؤاد هشام را زد. (بدون حرف زائد و باب است)

https://konkur.info

ضارَبَ فُؤادُ هِشاماً فؤاد با هشام زد و خورد کرد (باب مُفاعَلَة)

تَضارَبَ فُؤادٌوَ هِشامٌ فؤاد و هشام با همدیگر زدو خورد کردند (باب تَفاعُل)

پایان إعلَموا درس چهارم

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرجِمِ الْاَفعالَ

- ردیف اوّل :ماضی- تَعامَلَ : دادو ستد کرد مضارع- یَتَعامَلُ : داد و ستد می کند امر- تَعامَلْ : داد و ستد کن
- ردیف دوم :ماضی- عَلَّمَ : یاد داد مضارع- یُعَلِّمُ : یاد می دهد امر- عَلِّمْ : یاد بده
- ردیف سوم :ماضی-کاتَبَ : نامه نگاری کرد مضارع- یُکاتِبُ : نامه نگاری می کند امر- کاتِبْ : نامه نگاری کن
- ردیف چهارم :ماضی- اَجْلَسَ :نشاند مضارع- یُجلِسُ:می نشاند امر- اَجلِسْ:بنشان

حِوارٌ

(فِي صالَةِ التَّفتيشِ بِالْجَمارِكِ) گفتگوهایی در سالن بازرسی گمرکات

شُرطيُّ الجَمارِكِ پلیس گمرکات	الزّائرة زائر زن
اِجلِبي هذهِ الحقيبةَ إلَى هُنا. این چمدان را به اینجا بیاور. .	عَلَى عيني، يا أخي، و لَكِن ما هِيَ المُشكِلةُ؟ به روی چشمم برادر ، اما مشکل چیست ؟
تفتيشٌ بسيطٌ. یک بازرسی ساده است.	لا بَأسَ. مانعی ندارد (اشکالی ندارد)
عَفواً؛ لِمَن هذهِ الحقيبةُ؟ ببخشید این چمدان مال کیست ؟	لِأَسرَتي .برای خانواده ام
اِفتَحيها مِن فضلِكَ.	تَفَضَّل، حقيبتي مفتوحةٌ للتّفتيش.

https://konkur.info

لطفا بازش کن	بفرما چمدانم برای بازرسی باز است
ماذا في الحقيبةِ؟ چه چیزی در چمدان است؟	فُرشاةُ الأسنانِ و المعجونُ و المِنشَفَةُ و الملابِسِ مسواک و خمیر دندان وحوله و پوشیدنیها (البسه یا لباسها)
ما هذا الكتابُ؟ این کتاب چیست؟	لَيسَ كتاباً؛ بَل دفترَ الذِّكرَياتِ کتاب نیست دفتر خاطره است
ما هذهِ الحبوبُ؟ این قرص ها چیست ؟	حبوبٌ مُهَدِّئَةٌ، عندي صُداعٌ. قرصهای آرام بخش است، سر درد دارم
هذهِ غَيرُ مسموحةٍ. این غیرمجاز است (ممنوع است)	وَ لَكِن أنَا بِحاجةٍ إلَيها جدّاً. اما من به آنها خیلی احتیاج دارم
لا بَأسَ. اشکالی ندارد .	شُكراً. متشکرم (تشکر)
اِجمَعيها و اذهَبي. جمعشان کن و برو	في أمانِ اللهِ. در امان خدا

التَّمارين

اَلتَّمْرينُ الْاوَّلُ :أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِماتِ الْمُعجَمِ، تُناسِبُ التَّوضيحاتِ التّاليَةَ؟

۱-رَئيسُ الْبِلادِ، اَلَّذي يَأمُرُ الْمَسؤولينَ وَ يَنصَحُهُم لِاَداءِ واجِباتِهِم..... .

رئیس کشور ، کسی است که به مسؤولین دستور می دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می کند. (قائد : رهبر)

۲- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعضَ الْاخَرَ..... .

با یکدیگر آشنا شدند (همدیگر را شناختند). (تعارُف : آشناشدن)

۳- اَلَّذي يَعمَلُ لِمَصلَحَةِ الْعَدوِّ.

کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند. (عمیل : مزدور)

۴- جُزءٌ واحِدٌ مِنْ خَمسَةٍ..... .

یک جزء از پنج (یک پنجم) - (خُمْس : یک پنجم)

https://konkur.info

اَلتمرين الثّانی: اجعل فی الدائرة العدد المناسب. «كَلمة واحدةٌ زائدةٌ.»

۱- ذاك	۴	وجع في الرأس تختلف أنواعه و أسبابه.
۲- الفرشاة	۵	أكبر من البحر كثيرا.
۳- البقعة	۲	أداةٌ لتنظيف السنان.
۴- الصداع	۳	قطعة من الأرض
۵- المحيط		

اَلتمرين الثالث : ضع فی الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمتان زائدتان»

ذكريات/ الشعب / سواء / قائمة / لدي / من دون

۱- ... (لَدیَّ) جَوّالٌ تَفرُغُ بَطاريّتُهُ خِلال نصف يومٍ.

تلفن همراهی دارم که باطریش در نصف روز خالی می شود.

۲- زُمَلائی فی الدّرس علی حَدٍّ ... (سَواءٍ)

همکلاسی هایم در درس مساوی (یکسان) هستند.

۳- كَتبتُ ... (ذكرياتِ) السَّفرَةِ العلميّةِ .

(خاطرات) گردش علمی را نوشتم .

۴- لاتَعبُدوا ... (من دون) الله أحداً.

کسی را غیر از خدا نپرستید .

https://konkur.info

اَلتَّمْرینُ الرّابِعُ:تَرجِمْ إلَی الْفارِسیَّةِ(.هَلْ تَعلَمُ أَنَّ)...آیا می دانی که:

۱)الزّرّافةَ لا تَنامُ في اليَومِ الواحدِ إلّا أقَلَّ مِن ثلاثينَ دقيقةً و عَلَی ثلاثِ مَراحِلَ؟

زرّافه دریک روز و در سه مرحله فقط کمتر از سی دقیقه می خوابد؟

۲)مقبرةَ «وادي السّلامِ» في النّجفِ الأشرفِ مِن أكبَرِ المَقابِرِ في العالَمِ؟

مقبره «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگترین مقبره های جهان است؟.

۳)الصّينَ أوّلُ دَولةٍ في العالَمِ استَخدَمَت نُقوداً ورقيَّةً؟

چین اوّلین دولتی درجهان است که پول های کاغذی را به کارگرفت ؟

۴)الفَرَسَ قادرٌ عَلَی النّومِ واقِفاً عَلَی أقدامِهِ؟ اسب می تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟

۵)أكثَرَ فيتامينِ C للبُرتقالِ في قِشرِهِ؟بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟

اَلتَّمْرینُ الْخامِسُ :تَرجِمِ الاْیاتِ وَ اکْتُبْ نَوعَ الْاَفعالِ فیها .نورُ السَّماءِ

۱)﴿ و أنزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأخرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزقاً لَكُم﴾

و از آسمان آبی فروفرستاد پس با آن میوه هایی خارج کرد تا برای شما رزق ر روزی باشد.

(أنزَلَ : ماضي) / (أخرَجَ : ماضي)

۲)﴿ اللهُ وَليُّ الّذينَ آمَنوا يُخرِجُهُم مِنَ الظُّلُماتِ إلَی النّورِ﴾

خداوند دوستدار کسانی است که ایمان آوردند آنها را از تاریکیها به سوی نور خارج می کند.

(آمَنوا:ماضي) / (يُخرِجُ:مضارع)

۳)﴿ فَاصبِر إنَّ وَعدَ اللهِ حَقٌّ وَ استَغفِر لِذَنبِكَ﴾

صبر کن که وعده خداوند حقیقت است (حق است) و برای گناهت طلب بخشش کن

(اِصبِر: امر) / (اِستَغفِر: امر)

۴)﴿ وَ بِالحَقِّ أنزَلناهُ وَ بِالحَقِّ نَزَلَ﴾

و به حق آنرا نازل کردیم و به حق نازل شد

(أنزَلنا : ماضي) / (نَزَلَ : ماضي)

https://konkur.info

۵)﴿ قالَ إنِّي أعلَمُ ما لا تَعلَمونَ﴾

گفت : همانا من می دانم آنچه را که شما نمی دانید

(قالَ : ماضي) / (أعلَمُ : ماضي) / (لا تَعلَمون: مضارع منفي)

اَلتَّمْرينُ السّادِسُ :عَيِّنِ الْجَوابَ الصَّحيحَ.

۱- ا لماضي من «يُحاوِلُ» : حاوَلَ – حَوَّلَ - تَحَوَّلَ

۲- المضارع من «حَذَّرَ» : يَحذَرُ- يُحَذِّرُ - يُحاذِرُ

۳- المصدر من«تَقاعَدَ» : إقعاد- تَقعيد - تَقاعُد

٤- الأمر من «تُرسِلُ» : أرسِل – اُرسِلُ - أرسَلَ

٥- ا لنهي من «تُقَبِّلونَ» : لا تَقبَلوا - لا تُقَبِّلوا - لا تُقابِلوا

٦- المضارع من «تَعَلَّمَ»: يُعَلِّمُ – يَتَعَلَّمُ – يَعلَمُ

۷- المصدر من «اِعتَرَفَ»: اِعتِراف - تَعارُف – تَعَرُّف

۱- الماضی من « يُحاول »

◉ تحَوَّلَ : جابجاشد ، انتقال یافت ◉ حوَّلَ : تغییر داد ☑ حاوَلَ : تلاش کرد

۲- المضارع من « حَذَّرَ » :

◉ يحاذِرُ : پرهیز می کند ◉ يحْذَرُ : دوری می کند ☑ يُحَذِّرُ: هشدار می دهد

۳- المصدر من « تَقاعَدَ » :

☑ تقاعُد : بازنشستگی ◉ تقعيد : ضابطه مندکردن ◉ إقعاد : وادار به نشستن کردن

۴- الأمر من « تُرسِلُ » :

☑ أرسِلْ : بفرست ، إرسال کن ◉ ارسِلُ : می فرستم ، إرسال می کنم ◉ أرسَلَ : فرستاد ، إرسال کرد

https://konkur.info

۵- النّهی من « تُقبّلونَ » :

◉ لاتُقابِلُوا : روبرونشوید ◉ لاتَقْبَلُوا : نپذیرید ، قبول نکنید ☑ لاتُقَبِّلُوا : نبوسید

۶- المضارع مِن «تَعَلَّمَ» :

◉ يُعَلِّمُ : یاد می دهد ☑ يتَعَلَّمُ : یاد می گیرد ◉ يَعلَمُ : می داند

۷- المصدر مِن «إعترَفَ» :

◉ تَعَرُّف : همدیگر را شناختن ◉ تعارُف : با هم آشنا شدن ☑ إعتِراف : إقرار کردن

أنوار القرآن

عَيّن تَرجَمَةَ الكَلِماتِ المُلَوَّنَة في الآيات:

۱-﴿عِبادُ الرَّحمنِ الَّذينَ يَمشونَ عَلَى الأرضِ هَوناً وَ إذا خاطَبَهُمُ الجاهِلونَ قالوا سَلاماً﴾ الفُرقان:٦٣

وبندگان (خدای) بخشاینده کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام بر می دارند و هرگاه نادان ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام گویند.

۲-﴿إنَّ الحَسَناتِ يُذهِبنَ السَّيِّئاتِ﴾ هود: ١١٤

بی گمان خوبی ها، بدی ها را از میان می بَرَد.

۳-﴿اَلحَمدُلِلّهِ الَّذي هَدانا لِهذا وَ ما كُنّا لِنَهتَدِيَ لَو لا أَن هَدَانا اللهُ﴾

ستایش از آنِ خدایی است که ما را به این (نعمت ها) رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی مان نکرده بود، (به اینها) راه نمی یافتیم.

٤-﴿رَبِّ إنّي لِما أنزَلتَ إلَيَّ مِن خَيرٍ فَقيرٌ﴾القِصَص:٢٤

پروردگارم، من بی گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

https://konkur.info

۵-﴿ ألا بِذِكرِ اللهِ تَطمَئِنُّ القُلوبُ﴾ الرعد:۲
آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرام می گردد.

٦-﴿ أحسِن كَما أحسَنَ اللّهُ إلَيکَ﴾ القِصَص: ۷۷
نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است.

https://konkur.info

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO
Konkur
.info
https://konkur.info